

# خبرنامه جنگ ۵

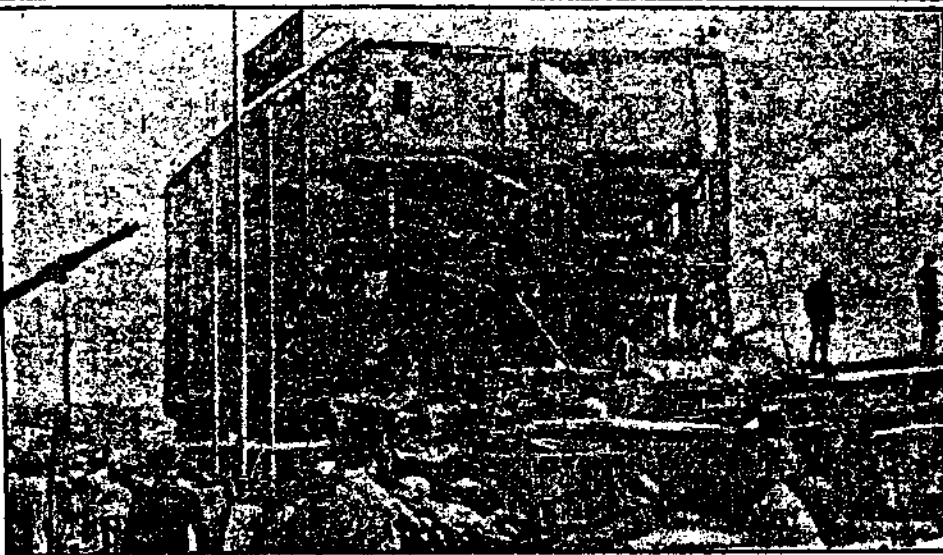
- سیاست رژیم گوشت دم توپ یا اجرای مقررات زمان جنگ صفحه ۲
- فرماندهان ارتش فرار کرده و با ارتش عراق همکاری می کنند صفحه ۶
- جواب دندان شکن کارگران به جنگ ناعادلانه سرمایه داران صفحه ۳

سازمان پیکنگ در راه آزادی طبقه کارگر  
**پیکار**  
 ویژه جنگ ایران و عراق

پنجشنبه ۸ آبان ۱۳۵۹ بهای ۵ ریال

## جنگ و خیانت رویزیونیستها

صفحه ۴



انجام میداد آزادی کرمانشاه است؛ با نگاه این سنگر آزادی توسط سبب های ارتجاع تخریب گشته است.

### داشتن مسکن، حق مسلم کوچ کنندگان کرمانشاه

در روز ۷/۹ عده ای از آوارگان قصر شیرین که در اردوگاه های اطراف کرمانشاه نظیر: سراب نیلوفر، و شهرک آناهیتا اسکان داده شده اند بدلیل عدم جای کافی و سرپناه موقت (استانداری کرمانشاه برای اینکه آنها را وادار نماید در زیر آتش گلوله و خمپاره به قصر شیرین بر سرگردند، عمداً از جهت رفاهی آنها راحت فشار می گذارد) تصمیم میگیرند به هتل سروش (دارپوش سابق) رفته و آنجا را برای زندگی موقت خود به تصرف در آورند. این عمل زحمتکشان و آوارگان با بقیه در صفحه ۲

### کودتاجیان در خدمت رژیم جمهوری اسلامی

رژیم جمهوری اسلامی بنا بر ماهیت طبقا شش سرسپردگان و کودتاجیان را به فعالیت فرا میخواند، و از آنها برای سرکوب زحمتکشان عراق و خلق کرد استفاده میکند. رژیم پنازگی ارتشپنازی را که آج و بازندانی بودند و با در کودتای سنگین اخیر شرکت داشته اند دوباره بکار گرفته بقیه در صفحه ۸

## چه کسانی از جنگ ایران و عراق سود می برند؟

امروز حدود ۵ هفته از جنگ میان ایران و عراق میگذرد. در این ۵ هفته متجاوزان از هزاران نفر و مردم ما و عراق چه در صیبه جنگ و چه در زیر آوارگان خود را از دست داده اند. بیش از هزاران خانواده که در نقاط جنگ زده زندگی میکردند، و آواره شهرهای دیگر شده اند. در این ۵ هفته بسیاری از مراکز صنعتی و نفتی ایران و عراق بکلی منهدم و غیر قابل استفاده شده هزاران تانک، هواپیما، هللیکوپتر و سایر وسائل جنگی از زمین رفته است. در این ۵ هفته ...

براستی با این همه تکلیت و بدبختی، سارت و تلفات که جنگ بسیار آورده، چه سانی از ادامه آن سود میبرند؟ بانگهای کوتاه به لایله ای اغیار و زنا به ما بخوسی پی میبریم که واقعا چه سانی از این جنگ سود میبرند. در این و زنا به ما این خبرها بچشم میخورد. دولت ارتش با استفاده از این موقعیت به چندی پیش چهار هواپیما و آواکس تحویل رژیم رتجاعی عربستان داد. آمریکا اخیراً مدادی موشکهای ضد هوایی "هاوک" تحویل ما داد. عراق برای حراست از بقیه بهیزات اتمی خود که ساخت فرانسه باشد، موشکهای زمین به هوای کورتال بقیه در صفحه ۴

## دستگیری هواداران سازمان

صفحه ۸

## گوشه های مختلف جنگ

صفحه ۷

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

### سیاست رژیم: گوشت دم توپ یا اجرای مقررات زمان جنگ

ادامه جنگ ارتجاعی و تحمیلی رژیم های ایران و عراق و مبارزان بی وقفه شهرها و روستا های خوزستان و غرب کشور بوسیله مزدوران رژیم بعث عراق، مردم بی دفاع و زحمتکش این مناطق را وادار به ترک خانه و کارخانه خود نموده است. رژیم جمهوری اسلامی بدون اینکه قادر باشد کوچکترین پناهگاه و حمل امنی برای مردم جنگ زده ای که در زیر باران بمب ها و توپ ها و تانکهای روسی ارتش عراق هستی خود را از دست میدهند، فراهم نماید به عنوان مختلف کوشش میکند از کوچک مردم این شهرها جلوگیری نماید و چون تبلیغات کوش کرکن را دیو و تلویزیون و روزنامه ها بیش کاری از پیش نمیبرد به شهید و ارباب دست میزند. ستاد امنیت "ا هواز اعلامیه پشت اعلامیه میدهد که با "فراریان از شهر" چنین و چنان خواهد کرد. استانداری خوزستان با انتشار اعلامیه ای از کلیه ادارات و موسسات دولتی میخواهد که همه روزه لیست حضور و غیاب کارکنان خود را در پایان وقت اداری به استانداری ارسال کنند "و به کارکنان اخطار میکند که در صورت عدم حضور در ادارات مربوطه برانبر مقرر است زمان جنگ با آنها رفتار میشود." (کیهان سه شنبه ۱۲ مهر ۵۹) آموزش و پرورش معلمین را با زور به مدارس خالی از دانش آموز میکشاند تا به انتظار امانت بمب و خمپاره بعثی ها بنشینند! استانداری بوشهر اطلاعیه ای مخابره می نماید و اعلامیه ای هم تالی خوزستانی اش میدهد "موازیان قانونی زمان جنگ" را بر خ کارمندان غایب میکند (جمهوری اسلامی ۲۶ مهر ۵۹) "ما جمعه" شیراز آیت الله دستفیب در نماز جمعه کسانی که دار و ندار خود را رها کرده و به شیراز کوچ کرده اند زشت ترین نسبت ها را داده و بدترین توهین ها را می نماید و از مردم شیراز میخواهد که سر روی زنان این کوچ کنندگان نشاندند! سپاه پاسداران شیراز نیز بی اطلاعیه ها شایسته مردم جنگ زده جنوب را که حاضر نیستند "گوشت دم توپ" جمهوری اسلامی شوند "وطن فدایان بزدل" و ستون پنجم دشمن "و شایعه پاکن" می نماید. رفقای هواداران زمان در شیراز با پخش اعلامیه ها و تبلیغات انقلابی سیاستهای رژیم را در مورد زحمتکشان جنگ زده افشا کرده اند. در یکی از این اعلامیه ها آمده است:

"در خیابان آنها را دستگیر میکنند، مردم نا آگاه را بر علیه آنان تحریک مینمایند و با لاف و پند و سیاه پنداران ضد انقلاب اعلامیه ای تحت عنوان "هدار به همشهریان عزیز در مورد فراریهای جنگ خوزستان" صادر میکنند و دست به انواع فحاشی و هتاک میزنند نسبت به آنان میزنند. سپاه پاسداران که دیگر دستش تا مفرق بخون کارگران دهقانان و خلقهای مآلوده است، جوانانی را که مردم شیراز را به فلاکت و تکلیفی کسه گریبا نگیرد مناطق جنگ زده است آشنا میسازد و نجات جنگ طلبانه رژیم را برای مردم افشا میکند، "فراری از جنگ"، "وطن فروش"، "بزدل" و "نوکران حلقه بگوش آمریکا" میخواند. در حالیکه اینان فقط مردمی هستند که میبینند جنگ هیچ نفعی بحال نکرده است. و نمی خواهند گوشت دم توپ از تصایح بشوند. "رفقای هوادار در شیراز در اعلامیه دیگری ضمن افشای تبلیغات سردمداران رژیم علیه هم میهنان جنگ زده - ای که با اعتراض و افشاکاری ما هیت جنگ ارتجاعی وضع توده های جنگ زده را توضیح میدهند می نویسد:

"بله، ارتجاع از این "شایعه پراکنی" - ها و در واقع افشاکرهای هموطنان خوزستانی وحشت دارد، چرا که این افشاکرهای هر چه بیشتر و آراستار میگردند ارتجاع بقدری بدست و پا افتاده که از توهین و تهمت به زنان زجر کشیده ای که از زیر آتش توپ و خمپاره به شهسوار ما پناهنده آورده اند و چه بسا عزیزان خود را از دست داده اند، اباشی ندارد و آنها را عزیزان" و... میخواند.

سرپرست شرکت نفت در مناطق جنوب نیز بیگانه را ندانده است. او در اطلاعیه ای مردمی را که خانه و زندگی خود را رها کرده و آواره شهرها و روستا ها گشته اند "فدایان" میخواند. در این اطلاعیه آمده است که اگر کسی محل خدمت خود را ترک کند، این عمل بمنزله استعفا تلقی خواهد شد و چنین کسانی "مشمول مقررات زمان جنگ" قرار خواهد گرفت. برای بورژوازی جان سردم پشیزی ارزش ندارد. از دید آنان زحمتکشان برای این خوبند که بر توله بدبختیها فزایند و بقیعت استعمارشان جیب سرما پاداران پر شود، حتی اگر مجبور شوند زیر بمب ها

گلوله های توپها جان خود را از دست بدهند اما زحمتکشان مین ما که ما هماد بر برابر تانکها و مسلسلهای آمریکا شای رژیم وابسته شاه قدیمی به عقب ننهادند و در راه انقلاب حماسه ها آفریدند، حاضر نیستند فدای تملیلات شوم رژیمهای عراق و ایران گردند. آنها میدانند که جنگ تحمیلی غیر عادلانه برای زحمتکشان جز در مانندگی و نگون بختی و آوارگی و... ارمان دیگری نخواهد داشت.

بقیه از صفحه ۱ **دانشمن مسکن...**

عکس العمل شدیداً لائتزارو برو شده و آوارگان مقاومت میکنند و با آنها درگیر میشوند و چند نفر از لائتزارو را مژوب می نمایند. بعد از درگیری، شهر بانی و سپاه هم وارد عمل میشوند. ولی قبل از آمدن آنها، آوارگان بدودسته پیدا ده و سواره تقسیم شده و افراد پیدا ده بطرف شهر بانی به راه میروند. هموار ما شین های باری در شهر به گشت میبرند:

آوارگان زحمتکش قمر شیرین بارشین شهر بانی و پاسبانها گلاویز میشوند که در این جریان "سرهنگ صمیمی" رئیس شهر بانی شدت مژوب میشود.

آوارگان میگفتند وقتی این آقایان سپاه و غیره در کرمانشان راحت خوابیده بودند ما زیر گلوله بودیم و الان ۶ مساه است که شب و روز زیر ضربات جنگ هستیم و الان همه علت موقعیت جنگی قمر شیرین و بی دفاع بودن و عدم پشتیبانی ارتش از ما، نمیتوانیم برویم و مفت گشته شویم.

روز ۷/۱۲، مردم آواره زحمتکش قمر شیرین را به زور سوار ما شین ها میکنند و از شهرک ها به قمر شیرین میفرستند و در مقابل اعتراض آنها جواب میدهند: ما اینجانان اغانی و مواد غذایی نداریم که به شما بدهیم و شما باید بروید و در قمر شیرین بجنگید.

زحمتکشان ما هر لحظه در زندگی خود به ما هیت ارتجاعی این جنگ پی میبرند و با لاف و روزی خواهد رسید که این فریادهای اعتراض به عثم انقلابی بر علیه رژیم سرما پاداری جمهوری اسلامی مبدل شود! امروز خواست زحمتکشان شهرهای جنگ زده قطع جنگ بوده و تا زمانی که این جنگ لعنتی به پایان نرسیده صرف مراکز دولتی و خانه مشعلق به سرما پاداران حق مسلم آنانست.

### مصاحبه با خلبانان: افشای رژیم

"سیمای جمهوری اسلامی" در روز ۲۱ مهر با خلبانان هوا نیروی مسلح ایران مصاحبه ای انجام داد. گرچه اینگونه مصاحبه ها بمنظور "قهرمانی" کردن ارتش و در واقع تظہیر ماهیت جنایتکارانه آن صورت میگیرد. مع ذلک خود افشاگر رژیم جمهوری اسلامی است. خبرنگار خطاب یکی از خلبانان است. میگوید: "سروان خلبان غلامرضا شهبست شما مثل اینکه تاکنون رشادتهای زیادی از خود نشان داده و بدرجات زیادی مفتخر شده اید؟" سروان نیز پاسخ میدهد: "بله، من کاری نکردم، من فقط با یک هلیکوپتر ۱۳۸ تانک را منهدم کردم (۱) بقیه خلبانان از من وزیرده ترند جالب است بدانیم که سروان خلبان غلامرضا شهبست کسی است که در بمباران کردستان "رشادتهای" فراوانی از خود نشان داده و تمام ترقیبات و درجات را نیز با طرغوب بمباران کردن خلق کرد، گرفته است چندین پیش نیز عکس او به همراه چند خلبان سرکوبگرد دیگر بوسیله "پرسنل انقلابی ارتش" در اعلامیه ای افشاگرانه چاپ شده بود. برآستی که سروان شهبست، "شاه پرست" است که اینچنین به کشتار مردم بی دفاع میپردازد! ■

### جواب دندان شکن کارگران به جنگ ناعادلانه سرمایه داران!

روزده مهرازگارگران زحمتکش بخش ساختمانی شرکت نفت خواسته میشود که برای جنگ اعلام آمادگی کنند و به جبهه جنگ بروند. کارگران جواب دندان شکنی به آنها میدهند. از جمله جواب یکی از کارگران زحمتکش به آنها که نما یا نگر نفرت میبوی وی از سرمایه داران و رژیم سرمایه داری و بی شری بودن این جنگ برای زحمتکشان است. چنین است: "من با چه تضمینی به جنگ بروم و کشته شوم؟ فردا زن و بچه هایم را کی نگهداری میکند، کی به آنها غذایی دهد و زندگی آنها را تامین میکند؟ من بروم و خودم را فدای حکومتی کنم که بهشتی و رفستجانی و بازرگان و بنی صدارت سر - دم داران آن هستند؟ عمرو جان مفتی که ندارم، از جانی هم سیر نمیکنم، ایکی هم نمی خواهم شهید شوم. ■"

### در بمباران پالایشگاه تبریز نیز زحمتکشان کشته و زخمی شدند

دقیقه بعد از ظهر خطر بعدا در میاید و با آتشبارهای هوایی شروع بسد شلیک میکنند، هر وقت هم میخواهی حرف بزنی میخواهند سر آدم را ببرند" یکی از کارکنان میگفت: "مسئله این نیست که امروز این اتفاق افتاده است، بلکه مادر روزهای آینده هم دچار چنین مصیبت ها هستیم". مردم نسبتا زیادی در بیمارستان جمع شده بودند و با چهره های برافروخته و پر خشم دنبال کم و کیف جریان بودند. یک زحمتکش میگفت که "دیروز هوا - بیمای ایرانی عراق را بمباران کرده - اندا امروز شاهد این باشیم که آنها تلافی حمله دیروز را بکنند. در جنگ غیر عادلانه و تعمیلی گسه رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق خلق - های دو کشور را دا می دهند کشته ها و زخمی - ها از کارگران و دیگر زحمتکشان خواهد بود و جز آوارگی و بی خانمانی عایدی نصیب آنان نخواهد شد. ■"

حدود ساعت ۹/۲۵ صبح چهارشنبه ۲۳ مهر با لاینگاه تبریز مورد حمله یک فروند میگ رژیم ارتجاعی عراق قرار گرفت. کارگران و تکنسین ها در هنگام حمله هوایی مشغول تعمیر خطوط لوله که در حملات قبلی آسیب دیده بودند، بودند. در اثر بمب و رگبار هواپیما های عراقی یکی از کارکنان پالایشگاه بنا مملایز شهید شده و دیگران زخمی شدند. یکی از کارکنان از ناحیه دو پا آسیب دید و هر دو پايش را قطع کردند بخشی از زخمی ها را با یک وانت با ربه بیمارستان راه آهن منتقل کردند. کارگران و تکنسین هائی که همراه زخمی ها به بیمارستان آمده بودند، از جراحان و نرسر خود را از این وضع مخفی نمی کردند. یکی از آنها متاسف از کشته شدن همکارشان میگفت: "این مسئولان مملکت کجا هستند؟ ما هیچگونه ایمنی نداریم. وقتی که هواپیما ها حمله میکنند تا زه ۱۰-۱۵

### اعتراض متقاضیان ۵۶ به اعزام آنها به کردستان!

حدود ۵۰۰ نفر از متقاضی خدمت های ۵۶ را که به پادگان های شهران آورده بودند اول به آنها اعلام کردند که با به همگی آموزش با تفنگ و ۳۰۰ را بهینید، عده ای از سر بازان اعتراض میکنند که "ما آموزشها ۳۰۰ را دیده ایم و اگر سلاح دیگری ندارید ما را اعزام کنید که آنها پس از نما من ستاد مشترک و سرگرم کردن سر بازان اعلام میکنند که با بدفرعه کشی کنیم و شما را بین آذربایجان، کردستان و خوزستان تقسیم نمایم، متقاضی خدمت های ۵۶ آغا جاری اعتراض کرده و از رفتن بسفج کردستان خودداری میکنند، مقامات پادگان به آنها میگویند که هرگونه سر - پیچی از دستور مطابق قانون زمان جنگ عمل خواهد شد که با زانها روی حرف خود بافتاری میکنند و با لایره مسئولین در مقابل مقاومت آنها کوتاه آمده و آنها را به خوزستان اعزام میکنند بقیه به همین شکل اعتراض کرده و فقط ۱۲ نفر حاضر رفتن به کردستان میشوند و به همین

### وحشت رژیم صدام از انعکاس جنگ در مردم عراق

■ - بگفته یک شاز جبهه نیروهای عراقی طرف روزهای ۷/۲۰ تا ۷/۲۱ از "دارخوین گذشته و به "سلمانیه" رسیده اند فاطمه "دارخوین" تا "سلمانیه" ۵ کیلومتر است. براین اساس میتوان گفت که عراق همچون گذشته سریع دست بقدرت نمایی میزند و آرا مایش میبرد. از طرفی گفته میشود عراق سعی دارد کمتر از نیروی پیاده استفاده کند و این امر دلیل سیاسی داخلی دارد. یعنی کشته شدن هر سرباز با توجه به وضع متشنج عراق، وضع حاکمیت را در عراق وخیمتر میکند و به تارقاتی عمومی دامن میزند. به همین دلیل از نیروهای زرهی بیشتر استفاده میکنند. ■

ترتیب آنها را به جبهه جنگ اعزام می - نمایند. این مسئله نشان میدهد که جوانانی که حاضرند به جنگ بروند، نمی - خواهند برادر کشی کنند. آنان به علت توهم تبلیغات شوینستی ارتجاع خواهان شرکت در جنگ ایران و عراق میباشند. ■

## جنگ و خیانت رویز یونیستها

### توده های جنگ زده - رویز یونیستهای فدایی (اکثریت) را از خود رانده اند

"اکثریت" فدائیان با خواری تمام تنها مانده اند. دیگر از توده ها شکیه در روزهای اول با شوق مسئولیت میخواستند خبری نیست. فقط مسئولین آنها مانده - اند که تحت فرماندهی پاسداران از مساجد تفتنگ ام ۱ گرفته و در کوچه ها نگهبانی میدهند. آنها کاری به مردم ندارند. مردمی که سالها زیر توب و تانگ رژیم شاه مقاومت کردند با پیروزی در مقابل حملات هوایی و زمینی رژیم فاشیستی عراق شهرها را ترک میکنند آنها فهمیده اند که این جنگ جز نابودی شمری برای آنها ندارد. جوانانی که در دو سه روز نخست جنگ با روحیه خوب آماده مداخله بودند پس از اینکه پاسداران همه چیز را تحت هدایت خود گرفتند و اسلحه ندادند، دیگر زیر بار نرفتند. حتی جوانان فعال نیز شهر را ترک میکنند. دیدم مردم نسبت به ما هیت و عملکرد رژیم با زتسر شده و این همه کشتار را از ما هیت ارتجاعی و تاجا و زکا را نه هر دو رژیم ایران و عراق می دانند. آنها به رژیم جمهوری اسلامی پشت میکنند ولی مردمان رویز یونیست با آنها پشت کرده و به آستانه نبوسایی ارتجاع میروند.

### خوش رقصی رویز یونیستها و تودهنی رژیم به آنها!

مدهاست که فربا د "ملی و خدا مهربا - لیست بودن رژیم جمهوری اسلامی، از جانب رویز یونیستهای "توده ای" و "فدائیان اکثریت" شنیده میشود و تا کنون با تمام قدرت به تظلم رویز مبرداخته اند از جمله در جنگ تا عادلانه اخیر، رویز یونیستها (خانشین به طبقه کارگر) شمار دفاع از رژیم جمهوری اسلامی را داده و با این نیت خود را موظف میداند که در جنگ شرکت کنند. چهره های "اکثریت" در هفته های اخیر عده ای از افراد خود را برای جنگ به

قمر شیرین میفرستند. اما با بی توجهی کامل ارتش و پاسداران مواجه میشوند. نیروهای رژیم تنها هیچگونه هماهنگی و همکاری با آنها نمیکنند، بلکه از دادن امکانات و آذوقه نیز کوتاهی میکنند و نیروهای اکثریت با این وضعیت که تنها موجب هرز رفتن نیروها بشان میگشت، عقب نشینی میکنند. در ضمن حدود یکماه پیش از این ۲۵ نفر از افراد "حزب توده" آمادگی خود را برای جنگ با حکومت بعث عراق اعلام میکنند و میخواهند که در اختیار سپاه و ارتش قرار بگیرند. سپاه، این ۲۵ نفر را و طلب را در عملیات آمادگی مورد تحقیر کامل قرار میدهد و پس از پایان عملیات آمادگی از پذیرفتن آنها - خودداری میکنند.

### شرکت حزب ارتجاعی "رنجبران" در جنگ

طبق اطلاعات رسیده، حزب ارتجاعی "رنجبران" عده ای را بوسیله اسلحه و مهمات رژیم جمهوری اسلامی، تجهیز کرده و به جبهه جنگ فرستاده است. این حزب در اصفهان بین بازارها، نفوذ زیادی دارد. عده ای از بازارها برای این شهر عضو و هوادار این حزب "سه جانی" و ارتجاعی هستند. آری این فقط "سه جانی" ها و سایر رویز یونیستها (این خانشین به طبقه کارگر) هستند که با بد برای رژیم های ارتجاعی چون جمهوری اسلامی، دل بسوزاند چرا که حیانتان در گرو وجود چنین رژیمهایی است. اینان از سرمایه دفاع میکنند و سرمایه داران از اینان!

### تصحیح خبر

در خبرنا مه جنگ شماره یک صفحه ۲ در مورد خبری از ما شهر، اشتباهی رخ داده ضمن بوزش، صحیح آن بصورت زیر است:

۱ - در مورد انفجار تانک آمونیاک که خبر نادرست بوده خبر صحیح چنین است:

"تانک آمونیاک شماره یک سوراخ شده و بهمین دلیل آمونیاک موجود در تانک را به دریا خالی کرده اند، که مقدار آن در حدود ۴-۳۰ هزار تن بوده است." (پیدا است که سوراخ شدن تانک مذکور بر اثر حمله هوایی بوده است.)

۲ - در همان صفحه خبری مبنی بر بمباران تاسیسات نفتی ما شهر آمده است که صحیح نمیشود.

### بقیه از صفحه ۱ جنگ گسلی

از فرانس در خواست نموده است؛ شوروی ۱۰۰ تانک "تی - ۷۲" تحویل رژیم صدام حسین میدهد؛ ایران از ترکیه و کره جنوبی اسلحه و لوازم بدکی میخرد؛ ایران از فرانس در خواست تعمیر هلیکوپتر نظامی خود را کرد و برای این منظور با کارخانه داسو سازنده میراژ قرارداد میبندد؛ ... اینگونه خبرها نشان میدهد که امپریالیستها با فروش تسلیحات و تجهیزات و وسائل نظامی خود میلیاردها دلار از این جنگ سود میبرند. ما غارتگری آنها صرفا در این زمینه نیست بلکه بسیاری از صنایع از طریق جنگ خسارت دیده اند و پروا نیست که امپریالیستها در این زمینه نیز از طریق فروش و بازاریابی صنایع آسیب دیده، میلیاردها دلار بربیب می - زنند. بعنوان نمونه خسارات جنگی عراق تا ۲ میلیارد دلار برآورد شده است. و در مورد ایران هم میلیونها دلار به تاسیسات نفتی آسیب رسیده، ولی آیا این تنها امپریالیستها هستند که ادامه جنگ به نفعشان است؟

خیر این جنگ برای رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق هم منافع در بر دارد؛ هر دو رژیم در منحرف کردن جنبش کشور خود از حربه جنگ استفاده می کنند به این صورت که ذهن مردم را از مسائل داخلی کشور بطرف جنگ جلب میکنند و با تبلیغات کرکننده خود سعی در بسیج مردم برای شرکت در جنگ ارتجاعی دارند.

رژیم سعی میکند با از این موقعیت برای تشدید خفقان و سرکوب جنبش استقاده کند. بنابراین آنها جم علیه خلق کردار تشدید می کنند و با مثلا افرادی را که برای آگاهی دادن به مردم به پخش اعلامیه و فروش کتاب - های انقلابی میپردازند را بعنوان ضد انقلاب دستگیر کرده و زندانی میکنند و به این ترتیب ترس خود را از آگاه شدن توده های مردم نشان میدهد بنا بر این نتیجه اینست که این جنگ ارتجاعی برای امپریالیست - ها و رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق بالاترین سودها را چاه از نظر مادی و چه از نظر سیاسی در بر دارد و در این جنگ تنها کسانی که ضرر و صدمه میبینند توده های خلقهای ایران و عراق میباشد.



رژیم هایی که خلق های کشور خود را سرکوب میکنند نمیتوانند در جنگی به نفع مردم شرکت نمایند!



# اخبار جنگ در اهواز

(از ۱۷ تا ۲۲ مهرماه)

★ ۵۹/۷/۱۷ - در این روز رژیم نژاد دور عراق دست به یک حمله به شهرزدور، در این حمله بیمارستان های آباداناوشیر و خورشید، دبیرستان محبوبه متحدین، مدرسه عالی بازرگانی اداره کشاورزی، چندواگن نفتی راه آهن، منطقه راه آهن ورزشگاه تختی انبار بزرگ قهوه و روغن موتور شرکت نفت، چندین خانه مسکونی، ۲ عدد مینی بوس و یک تاکسی و یک ماشین شورت، یک جیب لندروور حامل پاسداران و تعدادی از خبا با نهی اطراف آسیب می بینند، علاوه بر اینها بخشی از تاسیسات شرکت نورد چهار آتش سوزی گردید.

با زهم رژیم جمهوری اسلامی خائنه مردم را تهدید به ماندن در شهر و جمع شدن در یک محل مینماید که تبدیل به کوشک دم توپ شوند.

★ ۵۹/۷/۱۷ - چادر امداد "مجا هدیسن خلق" در خیابان کیهان خنایار مورد یورش پاسداران قرار میگیرد آنان چادر را بر چیده و سه نفر را دستگیر میکنند.

★ ۵۹/۷/۱۹ - کارگران ساختمانی که کرد و آذربایجانی در میان آنها زیادت است بعزت جنگ و نبودن کار، اهواز را ترک کرده اند. کارگران حفاری کارشان تعطیل و تحت فشار مالی هستند. یک کارگر حفاری میگفت حتی ۴۰۰ تومان ندارم تا شهر را ترک کنم و دنبال قرض میگشت.

جنگ ارتجاعی برای زحمتکشان جز آوارگی و بیچارگی و درماندگی چیزی بیار نمی آورد.

در حمله چهار ریمبا افکن عراقی به صنایع فولاد در ساعت ۶/۵۰ (هنگام ورود کارگران) در حدود ۱۲ نفر از کارگران زحمتکش کشته شده و بیش از ۸۰ نفر زخمی شدند. کارگران از اینکه رژیم جمهوری اسلامی علیه ریمباران روزانه کارخانه آنها تعطیل نمی کند بسیار خشمگین هستند.

★ ۵۹/۷/۱۹ - طی حمله عراق به زیستون کارمندی ۲۵ نفر کشته شده و تعدادی خانه درهم کوبیده میشود. پاسداران فدائقلاب در شرايطی که اهالی خانه ها هنوز زبیر آوار بودند، با حمله وحشیانه خود و شکستن قفل چمدانها بدنبال اعلامیه و کتا بهای فدائقلابی! میگشتند. در پاسخ مردم که علت اینکارشان را می پرسیدند میگفتند که: میخواهیم ببینیم که اگر کسی از آنها کمونیست بود اسم شهید درویش نگذاریم.

★ - روز ۵۹/۷/۲۲ در ناحیه های بنسالم "دروازه" در مدخل ورود به محله "زیستون" کارگزی "از ماشینی که چهار سرنشین داشت نارنجکی بطرف مخزن ذخیره نفت که در قسمت اداره پخش است پرتاب شد. اما نارنجک عمل نمی کند. در این هنگام مردم ماشین را متوقف کرده و بجان سرنشینان آن می افتند و آنقدر آنها را کشتک میزنند که بیهوش میشوند. سپس به تحقیق بپردازون تعیین هویت آنها می پردازند. مشخص میشود که سه نفر آنها عراقی هستند که لباس ارتشی بتن داشته اند و زوی لباس بلند عربی (د شاداه) پوشیده بودند. و راننده ماشین نیز ایرانی بوده است. پس از آن مردم آنها را سوار یک مینی بوس کردند تا تحویل مقامات دولتی بدهند.

حال این سوال مطرح میشود که رژیم جمهوری اسلامی وارگانهای سرکوبش که اینچنین هرسوراخ و سنبه ای را بدنبال انقلابیون میگردانند آنها را دستگیر کرده ضرور و شکنجه کنند و مرتب برای کارگران اطلاعیه مام می کنند که "در صورت خروج از شهر طبق مقررات زمان جنگ با آنها رفتار میشود". اما چگونه میشود که مزدوران عراقی به این راحتی میتوانند داخل شهر بیایند؟

**بی اعتمادی مردم نسبت به رژیم**

در تاریخ ۵۹/۷/۲۲ بعزت حملات گسترده ارتش عراق به اهواز، مردم بچین شهرها هروسيله ای که در اختیار داشته باشند شهر را ترک میکنند. بطوریکه روز به روز به جمعیت آوارگان شهرهای دیگر افزوده میشود.

هرچه حملات عراق وسیعتر و شدیدتر میشود، مردم بیشتر شهرها را تخلیه میکنند. روعبه مردم ضعیف شده و عده ای بناچار در

فکر کنند خندق و جای امن برای خود هستند. دیگر اغلب مردم نسبت به ارتش و رژیم جمهوری اسلامی اعتماد ندارند و بیشتر حرفهای آنها را دروغ میدانند.

## رژیم ضد انقلابیون دیروز را اکنون به کارفرما خوانده است!

روز ۱۰ مهر را دیوا هوازا اعلام میکنند که: "تمام کارهای پاکسازی شده پزشکی و بهیاری و پرستاری بیمارستانهای خوزستان خواسته میشود که چون به تخصص آنها احتیاج است، خود را بمحلهای قبلی خدمت خود معرفی کنند. بدیهی است که نحوه کار کردن آنها باعث تجدید نظر در پاکسازی آنها خواهد شد." متن این اطلاعیه و لجن سردمداران رژیم، خود بخود ما هیت مفتضحانه و ضد مردمی آنها را بر ملا میسازد. رژیم کارکنان را میخواهد ولی فقط زمانی که بمنوان بلا اراده او عمل کنند و در خدمت اهداف مرتجعانه آنها باشند. آنروز که اینها را ببینیم سرون گردند، خوشحال از پاکسازی "فدائقلاب" بودند ولی امروز برای اهداف ضد انقلابی خود، همان به اصطلاح فدائقلاب و خدمت بگیرد. لابد بعد از تمام احتیاجش در مورد عناصروا بسته به رژیم سابق که پاکسازی شده بودند، تجدید نظر خواهد کرد و عناصروا رژیم انقلابی را مجددا بچرم "فدائقلابی" پاکسازی خواهد کرد، ولی حتما اینبار به چرم "شرکت در مداد ای مردم بیماران شده!"

## مردم از شنیدن اخبار دروغ به خشم می آیند!

بدنبال اخبار و وسعای جمهوری اسلامی که میگفت "اوماع اهواز آرام است گروههای مختلف مردم تنفر خود را بصورت های گوناگون از این اخبار جعلی و دروغ انباز داشتند. در یکی از محلات حمیر آباد اهواز پیرمردی به معنی شنیدن این خبر رادیوی کوچک خود را بشدت بزمین زد و خرد کرد. سپس گفت "از صبح تا حالا ما مورد حمله هوایی و زمینی هستیم، این دروغگوها میگویند اهواز آرام است، آرام برای شماست که در کاخهای منازل امن نشسته اید، نه برای ما که هر لحظه منتظریم باران هستیم!"

بهر برداری عوام فریبانه رژیم جمهوری اسلامی از جنگ غیر عادلانه کنونی را افشا کنیم!

### فرماندهان ارتش فرار کرده و با ارتش عراق همکاری میکنند

پای صحبت عده‌ای از سربازان که از جنبه برگشته اند منبشینیم. حاصل گفتگوی ما با سربازان در زیر می‌آید:

همه سربازان متفقاً بر این ایمن بودند که خیانت‌های بسیاری توسط سربازان فرماندهان ارتش صورت می‌گیرد، در همان اولین روزهای درگیری در مرز شلمچه، خیلی از فرماندهان از صحنه فرار کرده و خود را تسلیم ارتش عراق کرده و از سربازان نیز می‌خواهند تا خود را تسلیم کنند. یکی از فرماندهان بلندکورا برداشته و خطاب به همه می‌گفت: برادران سربازان زود رجه دار بهتر است که همه ما تسلیم برادران عراقی شویم و بدینا ل این گفته خود بطرف ارتش عراق رفته و صورت آنها را می‌بوسد و بدینا ل آن عده‌ای دیگر نیز بطرف عراق آنها سرازیر میشوند، سربازان و درجه‌داران و افسران جزء که این کار را خیانت دانسته و همچنان تا آخرین نفس با ارتش عراق می‌جنگند در همان روزهای اول بسیاری شهید دادند.

### فرماندهان ارتش با عراق همکاری می‌کنند

درجه‌داری که را ندیده تا تک است اظهار داشت: ما یک لشکر بودیم که در "دهلران" در محلی بنام "تنگ خوش" جبهه داشتیم. ۵ روز تا مدرا این جبهه بودیم و در این مدت فقط یکبار بمقداری نان خشک خوردیم. مرتب بوسیله رادیو تقاضای ارسال کمک می‌کردیم، بما جواب میدادند که نیرو فرستادیم و سوراهاست، ولی هر چه منتظر میماندیم خبری از نیروی کمکی نبود. همه تا نکهای ما بوسیله آتش توپخانه‌های عراق از زمین رفت و در یک یورش ارتش عراق ۲۳ نفر از همقطاران ما کشته شدند و عده زیادی نیز دستگیر شدند. ما فقط ۶ نفر بودیم که توانستیم از درون گردو خاک و دود عقب نشینی کنیم و حالا میخواهیم به پا دگان در فول بروم و خود مرا معرفی کنیم تا اقلاً "فدا انقلاب" شناخته شویم. این درجه‌داران زشت خستگی و گرسنگی لبها پیش خنک و چشمها پیش

گودرفته بود، از یادآوری صحنه مثلثی شدن همقطاران نش بقی گلویش را گرفته بود و قطرات اشک از چشمانش سرازیر شد و مرتب به ارتش و فرماندهان آن تفریسن می فرستاد.

### گفتگوی ایک سرباز: در روستا های

اطراف اهواز (بخصوص حمیدیه) مستقر شدیم، شیوخ عرب عناصری را با موتور-سیکلت بطرف ما فرستادند این عناصر فرماندهان گفتگو میکردند و سپس از آن محل دور میشدند، بعد از مدت کوتاهی گلوله‌های توپ‌های عراق ما را زیر رگبار می‌گرفت، بنی دانم بین شیوخ و فرماندهان ارتش و موتورسواران چه را زور می وجود داشته که پس از صحبت آنها رگبار بطرف ما بسته میشود. بدینا ل این

### آزادی خلبانان کودتاچی، یکی دیگر از خیرات جنگ!

در هنگام حمله همه جا بنه هوایی عراق به ایران، بنی مدر به نیروی هوایی رفته است تا نیروها را از پای بی کند در آنجا به او گفته میشود که تنها خلبانانی که در رابطه با کودتا دستگیر شده‌اند، میتوانستند عراق را بمباران کنند، بنی صدر از دادستان کل انقلاب میخواهد که تعدادی از خلبانان کودتاچی را آزاد بکنند.

جریانات شیوخ مردم روستاها را جمع کرده و به ما سربازان فشا رمی آورند و میگفتند "شما این جا را تخلیه کنید بهتر است، چون وقتی عراقیها می‌فهمند که شما (ارتش) در اینجا مستقر هستید، مرتب به اینجا شلیک میکنند و شما بهتر است اینجا را ترک کنید." ما هم بدستور فرماندهان آنجا را تخلیه کرده و عقب نشینی می‌کردیم، عقب نشینی ما همان بود و پیشروی نیروهای عراقی همان، بعضی که بدستور فرماندهان عقب نشینی می‌کردیم نیروهای ارتش عراق جلو آمده و آنجا را تصرف کرده و ما بموضع دفاعی می‌افتادیم. البته فرماندهان این کار را اینطور توجیه می‌کردند که "ما بطورتا کتیکی عقب نشینی میکنیم تا دشمن خود را در جنگ ما بیاندازد و بعد ضربه نهایی را به آنها وارد کنیم." خیلی از همقطاران ما که همه آنها سرباز و درجه‌دار بودند، بوسیله همین "تا کتیکیها" قلبان فرماندهان شهید شدند.

دادستان از این کار را متناع کرده، بنی صدر پیش اما م می‌رود و مسئله را با او در میان می‌گذرد. اما مطی نامه‌ای از دادستان میخواهد که آنها را آزاد کند. بنی صدر به زندان رفته، با خلبانان در مورد آزادیشان و شرکت در جنگ صحبت میکند و سپس آنها را آزاد میکند! واقعا چرا رژیم جمهوری اسلامی افسران سلطنت طلب را بخدمت می‌گیرد؟ زیرا همه بخشهای فدا انقلاب دارای منافع مشترکی در برابر توده‌ها و انقلاب می‌باشند.

### جنگ تحمیلی موجب تشدید سرکوب سربازان شده است

با دگانهای تهران بازاها سه چهار ساعت خروج از پا دگان بدستور فرمانده، بنی صدر خدمت سربازان مزبور ۵ روز اضافه شده و از آنها "تعهدنا" گرفته‌اند. این روش سرکوب سربازان و تشدید پا دگانها به زندان بصورت قانونی در کلیه پا دگانها با جراد ضربه‌ای، ارتجاع در زمان جنگ نه تنها سرکوب و خفقان را در سطح اجتماع گسترده تر می‌آورد بلکه همچنین در درون ارگانهای سرکوب نیز این اقدام افزوده - ترمینند. ادا به جنگ تا ما دلانته موجب میشود تا سربازان هر چه بیشتر از جنگ متفرگ گردند و فرماندهان مزدور میکوشند برای غشی کردن این تفرقه سرکوب بیشتر روی آورند!

با شروع و تشدید جنگ تحمیلی رژیم های ارتجاعی عراق و ایران فشا و اوید بر سربازان شدت پیدا کرده است. رفتار فرماندهان با سربازان، بسیار بدتر از رفتار با زندانیان است و به هیچ وجه با آنها مرخصی (حتی برای یکی دو ساعت) نمی دهند و کسانی که در اجرای "اوامر" فرماندهان تعلل بکنند بسخنی تنبیه میشوند و اخیرا روش جدیدی نیز در ارتش ارتجاعی بکار گرفته میشود و آنهم گرفتن "تعهدنا" است که در صورت تکرار عمل "خلاف" (البته خلاف از دید فرماندهان ارتجاعی) دست فرماندهان را در اتقا ذروه‌های سرکوب شدیدتر بازمی‌گردد. در یکی از

توطئه‌های امپریالیسم امریکا و جنگ ارتجاعی کنونی را محکوم می‌کنیم!

# گوشه‌های مختلف جنگ

## امداد سحاب ناشی از جنگ تا کجاست؟

در حمله‌ای که روز ۷/۱۹ نیروهای عراقی بمردم خرمشهر کردند، حدود ۱۶۰ نفر از نیروهای ارتش ایران کشته شدند. مردم که همان روز بملت آتش خسته خسته عراقیها نتوانستند اجساد سربازان را جمع کنند، روز بعد که مراسم می‌کنند با صحنه‌های تراژدی مواجه میشوند؛ مگها مشغول خوردن اجساد بودند. لازم به ذکر است که هم‌اکنون مردم و ادارات بهداشتی و بهزیستی آبادان در مدد کشتن این سگها هستند زیرا آنها به خرمشهر رفته و اجساد مدفون نشده آنها را هم خورده بودند و دچار بیماری‌های گشته اند که با زگرفتن مردم این بیماری را منتقل میکنند. اینهم یکی دیگر از مصیبت‌ها بی‌است که از جنگ ناشی میشود. جنگی که هر دو با ختشی برای زحمتکشان ایران (و عراق) فرقی نمیکند.

## اشتباه لیبی جناب فرمانده!

روز جمعه ۵۹/۷/۲۵ ساعت یک بعد از ظهر دو فروند میگ عراقی، منطقه بندرماهشهر و تانکهای سوخت را در محلی موسوم به "بند" مورد حمله هوایی قرار دادند. در این حمله ۶ تانکر مواد سوختی و یک لوله گاز مورد اصابت راکت قرار گرفته، به آتش کشیده میشود و چند نفر از کمان‌داران به پخش زخمی میشوند. یکی از ارتشیان می‌گفت: قبل از حمله هوایی، از طرف مرکز (آبادان) به ما گفته بودند که هواپیما خودی است و بخترف آن شلیک نکنید (!) و ما بنا بر گفته‌ها را در تیراندازی نکردیم تا اینکه هواپیماها شروع به بمب‌اندازی کردند، ما بعداً به آنها شلیک کردیم. این مسئله ناشی از محاسبه دقیق فرمانده بود یا "اشتباه لیبی" او؟ کدایک؟

## شهادت بزرگترین افتخار برای شماست!!

صبح روز ۵۹/۷/۲۶ بیمارستان امداد آبادان مورد اصابت راکت قرار می‌گیرد و ۱۰ کشته و تعدادی مجروح برجای می‌گذارد. این فاجعه موجب برهم خوردن جسد بیمارستان و خرابی روحیه پرسنل آن می‌شود. پرستاران دیگر قادر به کار کردن

نموده و مدا مگر به می‌کردند. بخصوص هنگامی که جسد سربازی را به سردخانه می‌بردند - پرستاران و دیگر کارکنان ناسازگار دولت می‌کردند و میگفتند: "آنها در تهران نشسته اند و دستور میدهند" بخصوص به آیت - الله‌ها منتهای که گفته بود "شهادت بزرگترین افتخار برای شماست" دشنام میدادند. مردم و کارکنان بیمارستان می‌گفتند: "اینها (منظرشان) هشت حاکمه است (خودشان نمی‌توانند بمردم ایران برسند) حالا میخواهند برای مردم مسراق انقلاب اسلامی ما در کنند". در این گیر و دار رجا لبست که چند تک آوری در حیطه بیمارستان گریه می‌کردند! برآستی که "شهادت" هم برای سران رژیم دکان پر درآمدی شده است!

## هنگامیکه روحانیون "مبارز" زخمی میشوند!

چندی پیش آخوندی به نام "سیدهای مدنی" که از ناحیه سرودست زخمی شده بود به بیمارستان محرابی "دارخوین" برده میشود. قرار شد او را به هوا منتقل کنند ولی کویا جان ایشان عزیزتر از این است که به هوا منتقل شود. وی امرارزیاد میکند که او را به تهران ببرند تا بسا جان "عزیزش" در معرض خطر مرگ قرار بگیرد. او برای اینکه می‌بخش را محکم بگوید می‌گفت: "با ما به همراه تهران ببرید یا از اینجا تکان ندهید" تا آخره این آخوند "مبارز" و "مشتاق بهشت" پس از زرویش رسید و به تهران منتقل شد. جالب اینجاست که این اتفاق همزمان بود با مرگ جوان ۱۶ ساله‌ای که فقط ضربه جزئی به سرش وارد شده بود و امکان بهبودی او وجود داشت اما بر اثر کمبود ابتدایی شریک و سایر پزشکی (برای تکان رده‌ستگاه اکسیژن و...) او کشته شد. پزشک، قربانی نظام طبقاتی و جنگ ارتجاعی کنونی شد.

## فشار بر اسد اران رژیم به آوارگان جنگ

روز ۷/۲۲ در مرحله "تل" را مهر می‌برد، پاسداری از ابتدای شب خانه‌ای را که یک خانواده آواره جنگ در آن سر می‌برد، تحت نظر قرار میدهد. (بالتاسی شخصی). چند ساعت بعد حدود ۴ سوار و ۳ بدست به خانه مزبور هجوم می‌برند و چون هوا تاریک

بود و صاحب خانه در راه با زخمی کژده، از طریق دیوارها سواران وارد منزل میشوند و ۶ نفر از خانواده جنگ زده را که وحشت زده بودند، دستگیر و به پاسدارخانه می‌برند. آنها را بجرم "پخش اعلامیه" و "داشتن اسلحه" (!) بازداشت میکنند که روز بعد ۴ نفرشان را آزاد میکنند ولی هنوز از سرنوشت دو نفر دیگر خبری نیست.

## آقای چمران سهمیاش را میخواهد!

روز چهارشنبه ۷/۲۴ حدود ۳۰۰ نفر از سربازان متقاضی خدمت ۵۶ رابمنسوان سهمیه‌زادان رمری به هوا منتقل میکنند هنگام ورود این سربازان به پادگان، دکتر چمران به همراه یک روحانی سر می‌رسد و میگوید که "اینها برای من و سهمیه‌من هستند" (!) برای تریبیت کماتند و در این موقع استوارزادان رمری که برای تحویل گرفتن این سربازان بخت برگشته آمده بود، روی "سهمیه‌زادان رمری" بودن سربازان تکیه میکند. ولی آقای چمران میگوید "من عضو شورای دفاع هستم و هر چه من بگویم درست است". و بالاخره علی‌رغم تمایل خود سربازان، جناب چمران به "سهمیه" اش میرسد! سهمیه‌ای که برای کشتار ارسال میشوند!

## بقیه از صفحه ۸ افزایش...

خمپاره‌های عراقی بسیار بیشتر از روزهای دیگر بود. مدتی است که آنها ناحیه "بزرگان" را مورد اصابت خمپاره و راکت قرار داده‌اند مردم با هم بیشتر و بیشتر از شهر خارج می‌شوند. آنچه این روزها بیشتر چشم می‌خورد اینست که مردمی که قبلاً به شهرستانهای شیراز، اصفهان، رامهرمز و غیره رفته بودند اکنون پس از پیدا کردن جایی به آبادان با زگشته‌ها و شایه خود را هم می‌برند. اغلب کارگران شرکت نفت و یا کارمندان که از وامسکن استفاده کرده بودند و از شهرهای شیراز یا اصفهان خانه خریداری کرده بودند، اکنون که چنین موقعیتی پیش آمده به آن خانه‌ها اسباب‌کشی میکنند. و یا کارگرانی که ماه‌ها یکسال دیگر سر با زنشسته میشوند از هم‌اکنون مبادرت به اسباب‌کشی به شهرستانهای مذکور کرده‌اند. پیرمردی که از راهرمز آمده بود. گریه‌کنان از وضع اسفبار مردم کوچ کرده در راهرمز، صحبت میکرد. او از شلوغی شهری و غذای مردم نصیحت میکرد و می‌گفت: "غمینی مملکت را بباد داد. این چه وضعی است که او درست کرده؟..."

### دستگیری هواداران سازمان

در تاریخ ۵۹/۷/۱۸ که عده‌ای از هواداران سازمان پیکا در کوی بهمنشهر مشغول ورزش صبحگاهی بودند ۲۰ نفر سر پاسدار متور سوار پس از چند بار دور زدن قصد دستگیری یکی از رفقا را میکنند، این پاسداران سرمایه‌ها هنگام دستگیری رفیق مذکور که قبلاً شنا سایی کرده بودند، با مقاومت سا بر رفقا پیش رو برود و طوسی درگیری جزئی رفیق مورد نظر موفق به فرار میشود. در قایقی بعد تمدادی پاسدار مسلح به خانه آنها رفته و برادر و پدرش را بازداشت میکنند. در پاسدار خانه پس از گرفتن تعهد از پدر رفیق مبنی بر اینکه به محض مشاهده پسرش او را به پاسدارها تحویل دهد، آنها را آزاد میکنند، اما به هنگام خروج از پاسدار خانه برادر رفیق را که شنا سایی کرده بودند دوباره بازداشت میکنند (گویا قبلاً میدانستند که این رفیق برادر همان فرد اولی است و چون در ورزش صبحگاهی هم دیده بودند به همین خاطر او را گرفتند) و پس از دستگیری او را به دادگاه تحویل میدهند. رفیق مذکور پس از ۲۴ ساعت بازداشت که در این مدت مورد اذیت و شکنجه پاسداران قرار گرفته بود، آزاد گردید، اکنون پاسداران ناحیه را تحت نظر دارند تا سا بر رفقا را دستگیر کنند.

اکنون که رژیم جمهوری اسلامی و عراق جنگ غیر عادلانه‌ای را بر تنده‌ها تحمیل کرده اند رژیم از سرکوب نیروهای انقلابی و کمونیست‌های پیگیر یک دم غافل نمی‌ماند چرا که به درستی میداند دشمنان واقعی سیمتی که او از آن حفظ و حراست میکند، چه کسانی هستند.

### بقیه از صفحه ۱ کودتاچیان...

است افراد زیر همانهایی هستند که بقول رژیم جمهوری اسلامی بر علیه "مستضعفین" میخواستند کودتا کنند، عجب! چه شده است حالا دیگر کودتاچی و خدا سلام بچند این افراد مبارزندان از - سروان خلیان آنت (این شخص کسی است که پس از قیام توسط پرسنل انقلابی ارتش تصفیه شد ولی مجدداً در حمله وحشیانه رژیم به کردستان بکار گرفته شد، این فرد جزو کسانی است که در رابطه با کودتاچیان

### جنگی که رژیم‌های ارتجاعی برافروزند جز بزیلین زحمتکشان نیست

آری رژیم عراق زحمتکشان ما را با توپهاش می‌کشد و تگه می‌کند.

اما رژیم ایران نیز همین کارها می‌کند ولی آنها از چشم مردم ما پنهان نگاه میدارند، رژیم وانمود می‌کند که هواپیماهای فانتوم آمریکا شای کاری به مناطق مسکونی و غیر نظامی ندارند ولی دروغ می‌گوید! عکس زیر یکی از صدها نمونه است:



یک مادر عراقی، کودک زخمی اش را در بیمارستان بصره دلداری میدهد. (نقل از شماره ۶ اکتبر)



### درز کردن اطلاعات نظامی ارتش برای عراقیها!

**اهواز:** یک قطار حامل ۷۰ یا ۸۰ واگن بمباران و اسلحه بمبار رسیدن به ایستگاه با موشک عراقیها منهدم میگردد قطار دیگری که حامل بمبارت و اسلحه برای اهواز بود، در نزدیکی اندیمشک منهدم میشود. مسجدی را مخفیانه بمبارت می کنند ولی شب همان مجدداً موشک منهدم میگردد. بدلیل نبودن بمبارت و ترسیدن پشتیبانی و همچنین بعلمت در حال آمادگی نبودن نیروهای عراقی یک شبغون ارتش ایران که با ۵ تانک انجام گرفت، کاملاً با شکست مواجه میشود و هر ۵ تانک نابود میگردد.

### "به جبهه جنگ شتافتن" خامنه‌ای!!

روز پنجشنبه ۱۷ مهر ماه خامنه‌ای که مرتباً از طریق رادیو تلویزیون، مردم را "بسوی بهشت" و "نوشیدن شربت شهادت" دعوت میکند، برای برگشتن از اهواز یک هواپیمای اختصاصی ۸ نفره را که مخصوص خاندان سلطنتی بود با تلفسن احضار میکند. یک پزشک حاضر در فرودگاه از او میخواهد تا مریض مشرف به مرگ را با خود به تهران ببرد. خامنه‌ای ابتدا قبول میکند ولی پس از آنکه خلیان میگوید که هواپیما ظرفیت ۹ نفر را ندارد، خامنه‌ای میگوید، چون نباید پاندا را نش راهسراه خودش ببرد، نمیتواند مریض در حال مرگ را به تهران ببرد.

### افزایش روز افزون کوچ مردم نواحی جنگ زده

۵۹/۷/۲۱ شب گذشته با دان شیب و خشناک و دلهره آوری را گذراند، پرتاب بقیه در صفحه ۷

۳- سروان خلیان ناصری ۲- سپهد مینوسپهر ۵- سرهنگ کیمیاگر ۶- سرگرد بیدگلی ۷- سرگرد مکی ۸- سرتیست صباحت ۹- سرگرد خلیلی، خوبست بگوئیم سرگرد بیدگلی چه کسی است تا بیشتر آنرا بشناسیم: سرگرد بیدگلی کسی است که او بی جلا را با همایهای اف-۵ از ایران فراری داده و به اسرائیل پناهنده